

# تفسیر اقتصادی قرآن کریم از نگاه شهید صدر

داکتر سید محمد تقی هاشمی\*

## چکیده

با توجه به اینکه دانشمندان اسلامی در مورد قرآن و علم به دیدگاه استخراج همه علوم از قرآن، تطبیق و تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن و استخدام علوم در جهت تفسیر قرآن رأی داده‌اند. در این مقاله به دیدگاه شهید صدر در باره نسبت قرآن و علم پرداخته شده است و با توجه به آثار شهید صدر به این نتیجه رسیدیم که شهید صدر با استفاده از تفسیر موضوعی به دنبال «نظریه پردازی قرآنی» است. یکی از نوآوری‌های بسیار قابل توجه شهید صدر روش تفسیر موضوعی برون‌متنی است. در این شیوه ابتدا ما باید دغدغه‌های زندگی را پیدا کنیم. سؤالاتی که از زندگی اجتماعی یا از علوم به دست می‌آید را کشف کنیم. گام اول استخراج و دریافت یک سؤال و مسئله از بطن جامعه یا از علوم روز است. گام دوم اینکه ببینیم جامعه بشری و علوم بشری اعم از علوم طبیعی یا علوم انسانی این مسئله را چگونه تحلیل کرده و چگونه پاسخ داده‌اند. در مرحله سوم پاسخ قرآن به این مسئله را باید استنباط کنیم. شهید صدر در این جا یک کلیدواژه به نام استنطاق دارد. در این شیوه هرچه دستاوردهای علمی بشری بیشتر باشد بیشتر و دقیقتر می‌تواند پاسخ‌های خودش را از قرآن بگیرد.

**واژه‌های کلیدی:** اقتصاد، قرآن کریم، تفسیر اقتصادی

### مبانی تفسیر اقتصادی قرآن

در رویکردها و روش‌های تفسیری مفسران، مبانی تفسیری ویژه ای مورد نظر است که به مبانی صدوری و دلالتی شهرت یافته اند (رک: هادوی تهرانی، ۱۳۷۷، ص ۳۱). در پرداخت به روش تفسیری شهید صدر نیز توجه به مبانی تفسیری ایشان حایز اهمیت است. این مبانی را می‌توان به مبانی عام و مبانی خاص تقسیم کرد:

#### الف) مبانی عام:

مبانی عام آن دسته از مبانی است که در هر تفسیری لازم است بدان توجه شود مانند: عدم تحریف در قرآن، حکیمانه بودن قرآن، نزول قرآن بر قرائت واحد و بازگشت اختلاف در قرائت به اختلاف راویان آنها، زبان قرآن، جامعیت قرآن و ... امکان و جواز تفسیر. ۲. هماهنگی آموزه‌های قرآن با فطرت. ۳. سازگاری قرآن با عقل. ۴. تعامل قرآن و فرهنگ زمانه.

#### ب) مبانی خاص

مبانی خاص تفسیر علمی مبانی ای است که آگاهی از آنها و تعریف و انتخاب مبنا در مورد آنها، قبل از تفسیر، برای مفسر لازم است و شامل مباحثی همچون، اعتبار تفسیر علمی، ماهیت و چینی علم، توافق قوانین قرآن با علم، و توجه به قواعد تفسیر علمی است.

#### اعتبار تفسیر علمی

مخالفان تفسیر علمی چنین می‌گویند: قرآن برای بیان احکام و مسائل تبعدی و در کل برای هدایت بشر است نه برای بیان جزئیات علوم. و از سوی دیگر تفسیر علمی به تطبیق می‌انجامد که این نوعی تحمیل به قرآن است و در بسیاری موارد تفسیر به رأی می‌انجامد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۴۳۲)

پاسخ: درست که قرآن برای بیان مسائل آخرت و هدایت است اما با این مطلب که بعضی مطالب علمی را قبل از کشف تجربی بیان کرده است منافاتی ندارد. هرچند هدف اصلی بیان علوم تجربی نیست، ولی یکی از اهداف فرعی قرآن می‌تواند باشد. چنانچه

تفسیر قرآن با نظریه‌های ثابت شده صحیح نیست.

موافقان: از مهم‌ترین دلایل موافقان این است که حجیت علم ذاتی است. بنابراین اگر مطلب اطمینان آور یا قطعی علمی در تفسیر آیه ای وجود داشته باشد و شرایط تفسیری هم فراهم باشد آن مطلب علمی، قرینه فهم و تفسیر آیه می‌شود و حتی در برخی موارد مطلب علمی قطعی می‌تواند قرینه تأویل آیه باشد. کما اینکه بر اساس دلایل قطعی علمی دال بر عدم امکان هرگونه نیاز و ضعفی در واجب الوجود آیاتی مانند (و جاء ربک . و آیه ید الله فوق ابدیهم) که ظاهرشان جسمانیت خدواند است را باید تأویل نمود. علامه طباطبایی تفسیر قرآن را تفسیر علمی را با فرضیه‌های ظنی نمی‌پذیرد.

### توجه به ماهیت و چیستی علم

واژه «علم» در لغت به وسیله آن یعنی جهل معرفی شده است. (لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۱۶) راغب اصفهانی معنای کاملتری را برای لغت «علم» آورده و می‌گوید: علم، ادراک حقیقت چیزی را گویند، که دو نوع است، یکی ادراک ذات شیء و نوع دیگر این که حکم بر چیزی به این که چیزی برای آن موجود است، یا نفی چیزی که از آن منفی است. نوع نخست متعدی به یک مفعول و نوع دوم متعدی به دو مفعول است. در نگاه پوزیتویست‌ها، علم مجموعه قضایای حقیقی است که از راه تجربه حسی قابل اثبات باشد. (مصباح، آموزش فلسفه: ۶۳) بر این اساس معارف و علوم غیر تجربی، علم محسوب نمی‌شود. مقصود از علم در تفسیر علمی دانشی است که از راه تجربه حسی قابل اثبات می‌باشد. هرچند که در بینش صحیح و تفکر و حیانی انحصار علم به علوم تجربی خطا است.

### الف) توافق قوانین قرآن با علم

دیدگاه توافق علم و دین به سازگاری و هماهنگی دو حقیقت علم و دین، در مقابل نظریه تعارض و تمایز تأکید دارد. افرادی همانند جورج شلرنیگر و فیلسوفانی چون جازلز کولون و کارل‌هایم (۱۸۷۴-۱۹۵۹) و فلسفه پویشی وایتهد بر مکمل بودن علم و دین اعتقاد دارند چنین نظری را می‌توان به استاد مطهری در نسبت علوم طبیعی و دین اسلام منتسب کرد (خسروپناه، ۱۳۹۲: ۵۸۸)

ادعای اینکه علم و دین در مسائل مشترک با هم تعاون و سازگاری دارند و تعارضی میان آن‌ها نیست پذیرفتنی است. دین از طریق فرضیه سازی می‌تواند مدرسان علم گردد و علم نیز به اعتبار موضوع سازی می‌تواند دین را یاری کند؛ اما ادعای توافق و سازگاری علم و دین در تمامی گزاره‌های دین و علمی پذیرفتنی نیست؛ چرا که علم و دین در برخی گزاره‌ها با یکدیگر تعارض ظاهری یا واقعی دارند و که این تعارض باید حل شود. (پیشین)

یکی از تأثیرات قرآن در علوم، به ویژه علوم انسانی آن است که اهداف و مبانی جدیدی را برای آن‌ها تعریف می‌کند که بر اثر آن چهره علم تغییر می‌کند. مثلاً وقتی خدامحوری زیربنای نظام اقتصادی باشد و انسان بنده و فرمانبردار خدا و جهان در خدمت انسان فرض شود آنگاه اقتصاد با جهت‌گیری خدمت به انسان در راستای نزدیکی به خدا شکل می‌گیرد. پس هدف اقتصاد، نظم محض نیست، بلکه نظمی مطلوب است که در راستای خداپرستی و عدالت باشد.

### ب) توجه به قواعد تفسیر علمی

قواعد و اصولی است که مبنای تفسیر قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر: قوانین کلی که واسطه استنباط از آیات قرآن قرار می‌گیرد. یا قوانین کلی که حد وسط و کبرای قیاس در هنگام استنباط مطالب تفسیری از آیات قرار می‌گیرد. مهم‌ترین قواعدی که در مباحث میان رشته‌ای کاربرد ویژه دارند: ۱. علوم، قرینه فهم آیات. ۲. لزوم توجه به هدف دین و مقاصد نزول قرآن. ۳. لزوم توجه به سیاق زبانی و فضای تاریخی آیات و سوره‌ها. ۴. رعایت اصول عقلایی محاوره و قواعد زبانی.

### جامعیت قرآن

بحث از جامعیت قرآن به این معناست که قرآن مشتمل بر رهنمودهایی است که در سعادت ابدی و هدایت معنوی انسان نقش اساسی دارد و چون کسب حیات معنوی و سعادت در سایه مسائلی است که در همین دنیا مطرح است و عقل، ناتوان در دستیابی بدان‌ها می‌باشد، دین خود را ملزم به بیان آن‌ها و ترسیم رابطه میان آخرت و دنیا نماید و نیازهای انسان را در جهت کسب حیات معنوی و تأمین آن‌ها نشان دهد. (ایازی، ۱۳۷۸، ۱۹) علامه جعفری در این باره می‌نویسد:

«قوانین الهی همان گونه که تنظیم زندگی اجتماعی انسان‌ها را بر عهده گرفته است، تعلیم و تربیت‌های اخلاقی و عرفانی مثبت را هم هدف‌گیری نموده است و این یک اصل کاملاً مسلم از مکتب اسلام است که حقوق، اقتصاد، اخلاق و فرهنگ در تمامی مظاهر و نمودهایش هماهنگ بوده و در وحدتی بسیار والا با یکدیگر منسجم می‌باشند، در صورتی که قوانین و مقررات که ساخته اطلاعات و تمایلات بشری است جز امکان‌پذیری ساختن زندگی دسته جمعی هدف دیگری منظور نکرده است» (ر.ک: جعفری، حیات معقول: ۱۴۸-۱۴۹)

خاستگاه بحث جامعیت قرآن از آیاتی است که قرآن را به عنوان «تبیانا لکل شیء» و «تفصیل کل شیء» مطرح کرده است. به جهت وجه تفسیری آن آیات و نیز به سبب ضرورت تعیین قلمرو دین موجب سه رویکرد در پاسخ به جامعیت قرآن گردیده است:

۱. گستردگی دین در همه علوم و روشها. (ایازی، ۱۳۷۸: ۵۹)

۲. جامعیت در ذکر کلیات و بیان ارزشها (پیشین: ۶۸)

۳. تعدیل در دو نظریه پیشین (پیشین: ۸۰ و ۸۱)

شهید صدر در این میان پس از آنکه به تفصیل در خصوص نسبت قرآن با علوم سخن می گوید راه اعتدالی را در پیش گرفته است (هادوی نیا، ۱۳۸۵) ایشان در باره نسبت قرآن و علوم، قرآن را کتاب هدایت دانسته و بهره برداری از علوم را در تفسیر قرآن تا آنجا که برای هدایت لازم است مجاز دانسته است. (قاسم پور، ۱۳۹۲: ۳۳)

نسبت قرآن و علم اقتصاد  
از آنجا که تفسیر اقتصادی زیرمجموعه تفسیر علمی است می توان شیوه های تفسیر علمی را مطرح کرد:

### استخراج همه علوم از قرآن

علمای قدیم (مانند غزالی، ابن ابولفضل المرسی) کوشیده اند همه علوم را از قرآن استخراج کنند؛ زیرا عقیده داشتند که همه چیز در قرآن وجود دارد و در این سمت و سو، آیاتی را که ظاهر آنها با قانونی علمی سازگار بود، بیان می کردند. هرگاه ظواهر قرآن کفایت نمی کرد، دست به تأویل می زدند و ظواهر آیات را به نظریات و علمی که در نظر داشتند بر می گرداندند. روشن است که این نوع تفسیر علمی منجر به تأویلات زیادی در آیات قرآن بدون رعایت قواعد ادبی، ظواهر الفاظ و معنای لغوی آنها می شود. از همین رو بسیاری از مخالفان، تفسیر علمی را نوعی تأویل و مجازگویی دانسته اند. (ر.ک: التفسیر و المفسرون، ۲: ۴۸۵)

### ۱. تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن

بسیاری از افراد با مسلم پنداشتن قوانین و نظریات علوم تجربی سعی کردند آیاتی موافق با آنها را در قرآن بیابند و هرگاه آیه ای موافق با آنها نمی یافتند، با تمسک به تأویل یا تفسیر به رأی آیات را برخلاف معنای ظاهری حمل می کردند. مثلاً آیه «هو الذی خلقکم من نفس واحد و جعل منها زوجها» کلمه نفس را پروتون و زوج را الکترون معنا کردند و گفتند منظور قرآن این است که همه شما را از پروتون و الکترون آفریدیم و در این تفسیر حتی معنای لغوی و اصطلاحی نفس را رعایت نکردند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۲۵۳)

با توجه به اینکه این نوع تفسیر در حقیقت تحمیل نظریه علمی بر قرآن است؛ حق با مخالفان این نوع تفسیر است؛ زیرا ذهن مفسر هنگام تفسیر باید از هرگونه پیش داوری خالی باشد تا بتواند درست تفسیر کند.

## ۲. استخدام علوم برای فهم بهتر قرآن

در این شیوه از تفسیر علمی، مفسر با دارا بودن شرایط لازم و با رعایت ضوابط تفسیر معتبر، به تفسیر علمی قرآن اقدام می‌کند. او سعی دارد با استفاده از مطالب قطعی علوم (که از طریق دلیل عقلی پشتیبانی می‌شوند و با ظاهر آیات قرآن طبق معنای لغوی و اصطلاحی موافق اند) به تفسیر علمی بپردازد و معانی مجهول قرآن را کشف و در اختیار انسان‌های تشنه قرار دهد. دکتر رضایی اصفهانی این شیوه تفسیر را بهترین نوع و بلکه تنها نوع صحیح تفسیر علمی می‌داند. (پیشین: ۲۵۴)

مثال: هنگامی که آیه شریفه «و الشمس تجري لمستقر لها» نازل شد، مردم آن زمان همین حرکت حسی و روزمره خورشید را می‌فهمیدند در حالیکه حرکت خورشید خطای حس است. با پیشرفت علوم کشف شد که خورشید هم خود دارای حرکت انتقالی است. پس می‌گوییم اگر به طور قطعی اثبات شد که خورشید در حرکت است و ظاهر آیه قرآن هم می‌گوید که خورشید در جریان است منظور قرآن حرکت واقعی و انتقالی خورشید است. (رضایی اصفهانی، علوم قرآن ۲ ص ۲۵۴) استخدام در نظر شهید صدر به این معناست که علوم تنها بستر استخراج نظریه قرآنی به شمار می‌رود. (صدر، ۱۴۸۲: ۳۰)

## شهید صدر و نظریات علمی قرآن

همانطوری که ذکر گردید در تفسیر علمی چند رویکرد وجود دارد؛ یعنی استخراج علوم از قرآن، تطبیق و تحمیل و استخدام علوم. شهید صدر قائل به نظریه پردازي قرآن در زمینه‌های علمی از جمله اقتصاد است و معتقد است که قرآن برخوردار از نظریه‌های علمی در موضوعات خاص است.

### ۱. معنای نظریه

اندیشمندان و محققان علوم مختلف بر اینکه نظریه یکی از مهم‌ترین مفاهیم بنیادین علم است توافق نظر دارند. برای درک مفهوم نظریه بهتر است به چند مورد از تعاریف ارائه شده اشاره کنیم:

نظریه از دیدگاه تجربی کوششی است عملی در راه جمع آوری شواهد و یافته‌های تجربی و برقراری همبستگی بین این یافته‌ها و تبیین آن‌ها از طریق استقراء بدون به کاربردن هرگونه تصورات و تخیلات و توضیحات اضافه بر مشاهدات تجربی. بدین ترتیب: نظریه، یک بررسی اثبات شده از رابطه علت و معلولی بین پدیده‌هاست. (خسروپناه، ۱۳۹۲: ۵۷۳)

ساموئلسون در تعریف نظریه می‌گوید: «یک نظریه مجموعه‌ای از بدیهیات، قوانین و فرضیه‌هایی است که چیزی را در باره واقعیت قابل مشاهده تبیین نماید» (به نقل از حافظ نیا، ۱۳۸۲ ش: ۳۵) به طور کلی می‌توان برای نظریه علمی ویژگی‌های زیر را در

نظر گرفت:

**الف)** «مبیین ماهیت پدیده یا روابط علت و معلولی بین پدیده‌ها و متغیرهاست»  
**ب)** از ترکیب مفاهیم، قضایا و قوانین ویژه خود که به صورت نظام یافته در باره یک واقعیت به وجود می‌آید و تشکیل یک مجموعه واحد را می‌دهد، حاصل آمده است.  
**ج)** قدرت پیش بینی و آینده نگری را دارد، زیرا ماهیت شیء یا رابطه بین متغیرها را بیان می‌کند.

**د)** مفاهیم و قضایای نظری از مصادیق بیرونی برخوردارند یا قابل آزمایشند تا از این طریق امکان ارزیابی نظریه فراهم آید. نظریه‌ها باید توان آزمون‌های سخت و دشوار را داشته باشند و اگر مورد و مصداقی که ناقض مفاهیم نظریه باشد کشف شود نظریه ارزش خود را از دست می‌دهد. (حافظ نیا، ۱۳۸۲، ۳۵ و ۳۶)

اما در باره نظریه قرآنی باید گفت؛ طرفداران تفسیر موضوعی و توصیف کنندگان این نوع تفسیر غالباً هدف این نوع تفسیر را دستیابی به نظر قرآن در باره موضوعی خاص می‌دانند.

(مکارم شیرازی، بی تا، ۲۱/۱) علاوه بر آن که در انواع تفاسیر موضوعی و تعاریف برخاسته از آن تفاوت‌هایی وجود دارد. (کریمی، ۱۳۸۳/۱۰۵-۱۳۰). اما مفسران موضوعی به دنبال دستیابی به نظریه قرآن کریم در باره یک موضوع هستند که آن را با تعبیری از قبیل «نظر» (مکارم شیرازی، بی تا، ۲۱/۱) «قانون» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ۲، ۳۸۴). «موضوع و مقصود یک سوره» (رحمانی، ۱۳۸۲، ۱۴ و ۱۷) آورده اند. به نظر می‌رسد در کاربرد این تعبیر میان مفسران و محققان نوعی مسامحه وجود دارد و آن چه در این باره به ذهن می‌رسد مفهوم عامیانه «نظریه» که همان معنی و دیدگاه و نظر است محل توجه بوده است. اصطلاح «نظریه قرآنی» به معنی علمی آن و برخوردار از ویژگی‌های علمی یک نظریه را می‌توان در دیدگاه شهید صدر در خصوص هدف تفسیر موضوعی دریافت. ایشان نتیجه تفسیر موضوعی را دستیابی به نظریه قرآنی می‌داند و در این باره می‌گوید: «تفسیر موضوعی از استفاده از مدلولات تفصیلی آیات فراتر رفته و تلاش می‌کند

ارتباط میان این مدلولات را دریابد به این ترتیب به نظریه قرآنی دست یابد ... و این آن چیزی است که ما به زبان امروز نظریه می‌نامیم، و به این ترتیب به نظریه قرآنی از نبوت، یا مکتب اقتصادی یا سنن تاریخی و همچنین آسمان و زمین دست یابیم» (صدر، ۱۴۲۸، ۳۴) شواهدی دیگر از این سخن که شهید صدر قرآن را در مسائل زندگی دارای نظریاتی برخوردار از ویژگی نظریات علمی می‌داند در دست است که عبارتند از: الف) مقابله «نظریه قرآنی» با «نظریه پردازی‌های دانشمندان»: شهید صد در ضرورت پرداخت به تفسیر موضوعی می‌گوید: «با ظهور نظریه‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی که در برخورد بین جهان اسلام و جهان غرب پدید می‌آید با این همه سرمایه‌های فکری که در اسلام داریم و

این فرهنگ غنی و متنوعی است که در تمام رشته‌های شناخت انسانی قرآن به ما می‌دهد، وقتی برخورد بین یک نفر مسلمان و یک نفر غربی صورت گیرد مسلمان خود را در مقابل نظریه‌های فراوانی می‌بیند که در زمینه‌های مختلف زندگی ابراز شده بنابراین بر او واجب است تا نظر اسلام را بداند و برای اینکه نظر اسلام را در مقابل این نظریات بداند چاره‌ای ندارد که از متون اسلامی استفاده کند و در اعماق این متون فرو رود تا پایگاه اسلام را در این مورد نفیاً و اثباتاً دریابد» (پیشین: ۴۱)

## ۲. اقسام مطالعات قرآنی

تفسیر قرآن واجمله تفسیر اقتصادی، براساس سلیقه و هدف مفسرو یا باتوجه به مخاطب به نحو تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی انجام می‌پذیرد. قرآن کریم کتاب علمی و تخصصی نیست که مطالب خود را به صورت موضوعی و در ابواب و فصول معین قرار دهد و تمام سخن خویش را درباره یک موضوع یکجا گرد آورد، بلکه کتاب هدایت تمام انسان‌هاست. قرآن کریم پاسخگوی پرسش‌ها و نیازهای انسان تشنه معارف الهی در تمام اعصار است؛ چنان که خود می‌فرماید: «ونزلنا علی الكتاب تبیاناً لکل شیء هدی رحمه و بشری للمسلمین». و در عین ارزشمندی و ضرورت تفسیر ترتیبی، این روش نسبت به موضوع‌های که بشر بدان مبتلا شده یا خواهد گشت، و برای استخراج نظریه‌های قرآنی درباره مسائل متعدد زندگی، کافی نیست و نیاز به مکمل دارد که به تعبیر شهید صدر تنها راه به دست آوردن تئوری‌های بنیادین اسلام و نظریه‌های زیربنایی قرآن پیرامون مسائل گوناگون زندگی، تفسیر موضوعی است»

تفسیر موضوعی قرآن کریم، دارای اقسام تفسیر موضوعی درون قرآنی، تفسیر موضوعی برون قرآنی است.

## روش تفسیر موضوعی

با توجه به اینکه تفسیر ترتیبی ارزشمند و ضروری است اما در عین حال این روش نسبت به موضوع‌های که بشر بدان مبتلا شده یا خواهد گشت و برای استخراج نظریه‌های قرآنی در باره مسائل متعدد زندگی، کافی نیست و نیاز به مکمل دارد و تنها راه به دست آوردن تئوری‌های بنیادین اسلام و نظریه‌های زیربنایی قرآن پیرامون مسائل گوناگون زندگی، تفسیر موضوعی است.

(صدر، المدرسه القرآنیه: ۳۹)

تفسیر موضوعی را می‌توان با توجه به استخراج، موضوع به تفسیر موضوعی درون قرآنی و تفسیر موضوعی برون قرآنی تقسیم کرد:



## الف) تفسیر موضوعی درون قرآنی

در این شیوه مفسر می‌کوشد تا با استفاده از قراین و شواهد نقلی خود آیات معانی و مقاصد آیات را درک کرده و به نتایج جدیدی دست پیدا کند. این شیوه در آثار قرآن پژوهان تحت عنوان تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر آیات الاحکام به شکل موضوعی نمود پیدا کرده است. در این شیوه مفسر موضوع تحقیق خود را از خود متن قرآن در آورده و پیرامون آن تحقیق می‌نماید.

## ب) تحقیق موضوعی برون قرآنی

این روش یکی از روش‌های ابداعی شهید صدر ره است. ایشان در توصیف این روش می‌گوید: «روش دوم در تفسیر قرآن روش موضوعی و یا توحیدی است. در این روش آیات قرآن تقطیع نمی‌شود و بررسی روی آیات به طور مسلسل یعنی آیه به آیه و مرتب انجام نمی‌گیرد. بلکه مفسر موضوعی می‌کوشد تحقیقات خود را روی یک موضوع از موضوعات زندگی، اعتقادی، اجتماعی و جهانی که قرآن متعرض آن شده متمرکز سازد و درباره آن موضوع از قرآن استفاده کند.» (صدر، ۱۳۸۲: ۲۳)

بنابراین، تفسیر ترتیبی در فهم مفاد آیه، مفید است، اما برای استخراج نظریه‌های قرآنی درباره موضوع‌های متعدد زندگی، کافی نیست و نیاز به مکمل دارد و مکمل آن چیزی جز دسته بندی آیه‌های مربوط به یک موضوع و نگاه جمعی به آیه‌ها و مرتبط نمودن آن‌ها به یکدیگر نخواهد بود. به نظر ایشان نظریه قرآن در باره موضوع‌های گوناگون که با پیشرفت زمان پدید می‌آید و تازگی دارد، جز با این شیوه قابل فهم نیست. شهید صدر<sup>(ره)</sup> در جای دیگری فرموده اند:

«مایه‌های این تفسیر تجارب بشر است و این تجارت هر چه بیشتر شود و بر مواد خارجی آن افزوده گردد، تفسیر پر بارتر می‌شود» (پیشین: ۵۳)

وظیفه مفسر در تفسیر موضوعی در هر حال و در هر عصری - با خود برداشتن کلیه دستاوردهای بشری است. مفسر باید افکار عصرش را همراه داشته باشد تا از تجارب بشری آنچه به دست آمده، همه را در برابر قرآن نهد. تا بتواند از مجموع آیات مربوط به موضوع، نظر قرآن را دریابد. شهید صدر می‌نویسد:

تفسیر موضوعی یعنی گفت و گو و محاوره با قرآن کریم و بازجویی و پرسشگری از قرآن، آنهم نه فقط یک پاسخ طلبی انفعالی و ضعیف، بلکه یک پاسخ خواهی فعال و کاربرد و هدف دار متن قرآن به منظور کشف حقیقتی از حقایق بزرگ زندگی» (پیشین: ۳۷) از دیدگاه شهید صدر باید در تفسیر موضوعی، موضوعات را از متن جامعه گرفت، یعنی نیازها و مشکلات را به صورت پرسش به محضر قرآن عرضه نمود مثلاً نقش تقوا

در تولید و ظلم در زندگی تنگ، و ... و با جمع آوری آیات مرتبط و تفسیر موضوعی آن‌ها، پاسخ خود را دریافت کرد. این کار در واقع استنطاق قرآن و با پیش فرض توانایی قرآن برای پاسخ دهی به مسائل و مشکلات جامعه بوده است. (محمدباقر صدر، المدرسه القرآنیه: ۳۰) زیرا قرآن با نیازهای و علوم روز بیشتر پیوند خورده و پاسخگوی پرسش‌های جدید بشر بوده و هدایت آن در همه ابعاد زندگی بشر جاری است. پرسش‌های جدید در علوم مختلف مطرح می‌شود و مفسر علمی با دقت و رعایت ضوابط، تلاش می‌کند تا از آیات الهی، پاسخ مناسب به آن‌ها بدهد. (مجموعه آثار شهید صدر، ۱۳: ۲۷)

بنابراین از نگاه شهید صدر، تفسیر اقتصادی یک نوع رفتار و عملکرد نظام یافته و هدفدار است که مفسر قرآن کریم در اجرای فرایند تفسیر در پیش می‌گیرد و بر اساس آن فعالیت‌های تفسیری خود را برای کشف معنای واقعی آیات قرآن کریم در باب اقتصاد سامان می‌دهد. بدین ترتیب، او هرکدام از موضوع، مبادی تصوری و تصدیقی یا مسائل آن را به قرآن عرضه و دیدگاه شارح را در این متن مقدس پیرامون آن کشف می‌کند.

### ۳. اصول و قواعد حاکم بر نظریه پردازی

در روش تفسیری هر مفسری پیروی از اصول و قواعد صحیح تفسیری مورد نظر است که مورد اتفاق همه مفسران بوده و هر مفسری ملزم به رعایت آن‌ها است. در روش تفسیر شهید صدر نیز این قواعد رعایت شده است که در ذیل به آن‌ها می‌پردازیم:

**الف) توجه به مفاهیم کلمات:** آگاهی از معانی و مفاهیم کلمات و مفردات قرآن کریم از شرایط ضروری هر مفسر است. مفسر باید از مفاهیم مفردات قرآن کریم آگاه باشد و یا توجه دقیق به خصوصیات مفاهیم مفردات به تفسیر آیات بپردازد. (بابایی ۱۳۷۹: ۸۱) شهید صدر در تفسیر از سنت‌های تاریخ در قرآن و در بیان این که خط سیر همه موجودات به سوی ایده آل مطلق است آیه شریفه «یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحا فملاقیه» (انشقاق/۶) را شاهد آورده و در تفسیر لغوی کدح می‌گوید: «کدح یعنی یک حرکت و بسیج پیگیر آمیخته با رنج و درد و سوز و گداز» (صدر، ۱۴۲۸ق، ۱۴۱). که این همان معنایی است که در منابع لغت شناسی قرآن کریم برای این واژه آمده است (راغب اصفهانی، ۱۳۳۲ق/۱/۷۰۴).

**ب) توجه به سیاق آیات:** سیاق نوعی ویژگی برای واژگان یا عبارت و یا یک سخن است که بر اثر هم‌رودن آن‌ها با کلمه‌ها و جمله‌های دیگر به وجود می‌آید (بابایی، ۱۳۷۹ش، ۱۲۰) شهید صدر در روش تفسیری خود در مواردی از سیاق آیات بهره گرفته است، ایشان در بیان تفاوت بین عمل فردی و اجتماعی در قرآن معتقد است که همانگونه

که دو کارنامه در روز قیامت وجود دارد یکی برای فرد و یکی برای امت، که موازات هم می‌آید. (۱۴۲۸ق، ۸۳) در برابر خدای تعالی دو احضار وجود دارد یکی احضار فرد و دیگری احضار امت (پیشین، ۸۵) و در خصوص احضار جماعت و امت در برابر خدای تعالی آیه «تری کل امه جائیه تدعی الی کتابها» را شاهد آورده و در تفسیر آن می‌گوید: «از سیاق آیات استیناس می‌شود این احضار دومی به خاطر بازگشت روابط گذشته امت به حدود و موازین حق و مقتضای قانون است» (پیشین).

### ج) توجه به دلالت‌های کلام

از جمله قواعد قابل توجه در تفسیر قرآن کریم توجه به دلالت‌های آیات است. دلالت در لغت به معنای چیزی است که به وسیله آن به شناخت چیز دیگر نایل می‌شویم (راغب اصفهانی، ۱۳۳۲ق، ۳۱۶/۱) و در اصطلاح دلالت بودن چیزی به حالتی است که وقتی انسان به آن آگاه شد ذهن او به وجود چیز دیگری منتقل می‌شود. (مظفر، ۱۳۸۸ش، ۳۶). در تفسیر قرآن لازم است به دلالت آیات توجه شود و پس از آن که مراد استعمالی و دلالت تصویری الفاظ به دست آمد، برای بدست آوردن مراد جدی خدا به قواعد عام و خاص، مطلق و مقید، محکم و مجاز ... توجه کنیم تا مراد نهایی خدا به دست آید و تفسیر بر اساس آن صورت گیرد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰ش، ۳۱۶/۱). شهید صدر معتقد است که قرآن کریم در بیان سنت‌های تاریخ دارای روشهای گوناگون است و دلالت آیات شاهد بر سنت‌های تاریخ دو گونه است: ۱. آیاتی که دلالتش بر مقصود واضح است. ۲. آیاتی که نوع دلالتش بر مقصود کمتر است ولی با روح تعالیم قرآن در این فکر کاملاً هماهنگی دارد و می‌تواند موید و یاری دهنده این فکر باشد. یک نمونه از آیات قرآن که این اندیشه را به طور کلی اظهار کرده و تاریخ را دارای سنت‌ها و ضوابطی معرفی می‌کند، این دو آیه است:

«لکل امه أجل اذا جاء أجلهم فلا یستأخرون ساعه ولا یستقدمون» (یونس/ ۴۹)

و در این موضوع می‌توان گفت که این برداشت شهید صدر نوعی کاربرد دلالت التزامی است. به این معنا که استفاده قواعد کلی از آیات قرآن، پس از الغای خصوصیت از شأن نزول و زمان و مکان و اشخاص از موارد مدلول التزامی غیر بین است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۰، ۳۱۳/۱)

شهید صدر اصل عدالت را نیز یکی از اصولی می‌داند که باید تفسیر اقتصادی همسو با این اصل و سازگار با این اصل باشد. در قرآن مجید اصل عدل از اهمیت بسزایی برخوردار است و در کنار توحید و معاد مطرح شده است و از صفات برجسته خدا، عدالت است و کیهان را نیز بر اساس عدل خود استوار ساخته است.

«شهد الله انه لا اله الا هو و الملائكة و اولوا العلم قائما بالقسط». (آل عمران/۱۸)  
 و نیز هدف بعثت تمام انبیای الهی را قیام به قسط و تحقق جامعه قوامی معرفی می‌کند.  
 «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط». (حدید/۲۵)  
 تکوین و جهان هستی را بر اساس و معیار عدالت آفرید «بالعدل قامت السموات و  
 الارض» و به انسان‌ها نیز توصیه فرمود که عدالت را مسیر و ممشای خود قرار دهند. «ان  
 الله یامر بالعدل و الاحسان». (نحل/۹۰)  
 در تفسیر اقتصادی یکی از اصول دیگر قاعده «یسر» است که باید در تفسیر اقتصادی  
 مورد توجه باشد.

## نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه موضوع مورد بررسی ما تحلیل آراء یکی از متفکران معاصر در باره قرآن و علم بود. یکی از متفکران فرزانه و کم نظیر در مسائل دینی شهید صدر است. در این مقاله به دیدگاه ایشان در باره نسبت قرآن و علم پرداخته شد و با توجه به آثار شهید صدر به این نتیجه رسیدیم که شهید صدر با استفاده از تفسیر موضوعی به دنبال «نظریه پردازى قرآنى» است. یکی از نوآوری‌های بسیار قابل توجه شهید صدر روش تفسیر موضوعی برون‌متنی است. در این شیوه ابتدا ما باید دغدغه‌های زندگی را پیدا کنیم. سؤالاتی که از زندگی اجتماعی یا از علوم به دست می‌آید را کشف کنیم. به طور مثال رابطه بهره و بحران‌های اقتصادی، و دیگر مسائل اقتصادی. گام اول استخراج و دریافتیک سؤال و مسئله از بطن جامعه یا از علوم روز است. گام دوم اینکه بینیم جامعه بشری و علوم بشری اعم از علوم طبیعییا علوم انسانی این مسئله را چگونه تحلیل کردند و چگونه پاسخ دادند. در مرحله سوم به قرآن مراجعه کنیم و دیدگاه قرآن را دریابوریم. شهید صدر در این جا یک کلیدواژه به نام استنطاق دارد که از نهج‌البلاغه به عاریت گرفته است. یعنی ما قرآن را به نطق درآوریم. نکته مهم این است که این نظریه بر این مبنا استوار است که قرآن پاسخگوی نیازهای ماست. البته سنت هم در کنار قرآن طبیعتاً مطرح است. از این نظر هر چه اطلاعات ما بیشتر باشد، هرچه ابعاد مسئله برای ما روشن‌تر باشد و با آن اطلاعات بیشتر و با آن ابعاد علمی بیشتر خودمان را به قرآن عرضه کنیم پاسخی که از قرآن می‌گیریم، کامل‌تر و جامع‌تر است. به عبارت دیگر قرآن منبعی است که در آن، آنچه که برای هدایت لازم است ذخیره شده است. ما باید اول روشن کنیم سؤال و دغدغه ما چیست و چه ابعادى دارد و بعد برای پاسخ این سؤال، متناسب با آن سؤال از آن منبع بتوانیم برداشت کنیم.

یکی از جلوه‌های استنطاق قرآن، همین تفسیر موضوعی برون‌متنی است.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ایازی، محمدعلی، تفسیر موضوعی از نگاه شهید صدر، پیام جاویدان، سال اول شماره دوم ۱۳۸۳.
۳. بابایی، علی اکبر، و دیگران روش شناسی تفسیر قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹.
۴. خسرو پناه، عبدالحسین، در جستجوی علوم انسانی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۲ش.
۵. راغب اصفهانی، محمد، المفردات فی غریب القرآن، تهران المکتبه المرتضویه، ۱۳۳۲ش.
۶. رضایی اصفهانی، محمد علی، علوم قرآن ۲، قم مرکز نشر جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۲.
۷. منطق تفسیر قرآن، قم، مرکز نشر جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۰.
۸. صدر، محمدباقر، المدرسه القرآنیه، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر، چاپ چهارم، ۱۴۸۲ق.
۹. صدر، محمدباقر، مقدمات فی التفسیر الموضوعی للقرآن
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۰ش.
۱۱. قاسم پور، محسن و نظریبگی، مریم، «رهیافت روش شناسانه شهید صدر در موضوع نظریه قرآنی» مجله ۱۳۹۲.
۱۲. مصباح، محمد تقی، آموزش فلسفه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲.
۱۳. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، موسسه النشر الاسلام، ۱۴۱۷.
۱۴. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، مشهد، انتشارات دانشگاه رضوی، ۱۴۱۸ق.
۱۵. هادوی نیا، علی اصغر، «شهید صدر و روش تفسیر موضوعی - علمی قرآن کریم با رویکرد اقتصاد اسلامی» همایش بین المللی بررسی اندیشه های اقتصادی آیت الله صدر، قم، دانشگاه مفید، ۱۳۸۵